

شبکه مضامین تحول از دیدگاه رهبر معظم انقلاب
عبدالکریم خیامی^۱، محسن جوهری^۲

تاریخ پذیرش: 1401/08/07

تاریخ دریافت: 1400/10/04

چکیده:

بر اساس معارف انقلاب اسلامی، انقلاب پدیده‌ای تکاملی است که به تغییر نظام سیاسی ختم نمی‌شود و پس از آن هم در جهت تحقق آرمان‌ها ادامه می‌یابد. علاوه بر این مواجهه نظام اسلامی با مجموعه‌ای از چالش‌های پیش رو، ضرورت ایجاد تحول را دوچندان کرده است. لازمه تحول مطلوب و پایدار، شناخت عمیق خود این پدیده است؛ در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی موضوع تحول از دیدگاه رهبر معظم انقلاب پرداخته است. با توجه به ماهیت اکتشافی این پژوهش و ضرورت کاوش نظری در متون موجود از رهبر انقلاب، در این پژوهش از روش تحلیل مضمونی استفاده شده و در نهایت شبکه مضامین تحول ارائه شده است. لزوم تحول، ارکان و زیرساخت‌های تحول، منطقه نوآوری در تحول، ویژگی‌های تحول، زیرساخت‌های ذهنی تحول، عوامل انسانی تحول، شرایط و توصیه‌هایی برای تحول و موانع، آفات و بدفهمی‌های تحول ارکان اصلی این شبکه را تشکیل می‌دهد.

واژگان اصلی: تحول، انقلاب، انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، تحلیل مضمون.

1. عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران
ak.khayami@isu.ac.ir

2. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mohsen.johari313@gmail.com

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن‌ماه 1357، تحولات بنیادینی در نظام سیاسی حاکم بر این کشور رخ داد و در پرتوی آن حکومت شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی تغییر کرد. یکی از ویژگی‌های برجسته انقلاب اسلامی آن است که از دیدگاه نظریه‌پردازان اصلی آن، روند تحولات انقلابی با تغییر نظام سیاسی به اتمام نمی‌رسد بلکه تحقق کامل انقلاب در گروی امتداد یافتن این تحولات در یک روند تکاملی و در طول زمان است. «انقلاب در مکتب انقلاب اسلامی، سیورورتی دائمی و ضرورتی همیشگی است. از این رو این انقلاب، انقلابی تکاملی است که خود را در مسیر شدن و نه پایان می‌داند؛ مگر آنکه آرمان‌های انقلاب تحریف شود و افراد انقلابی و کنش‌های انقلابی طرد و به حاشیه رانده شوند» (قربانی، 1397: 31).

بر اساس آنچه گفته شد 22 بهمن 1357 اگرچه یک نقطه عطف در مسیر پیاده‌سازی ارزش‌های انقلابی در ایران محسوب می‌شود، اما ادامه حیات انقلاب اسلامی در گروی آن است که همواره در سودای محقق شدن آرمان‌های انقلابی، مسیر تغییر و تحول ادامه یابد. «در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی تحول ویژه‌ای است که در پی آن ارزش‌های حاکم بر جامعه، مبانی نظم اجتماعی، سازمان‌دهی سیاسی و اقتصادی و نیز حاکمان سیاسی؛ عمیقاً متحول می‌شوند؛ به عبارت دیگر هم رژیم سیاسی و هم نظام اجتماعی و ارزش‌های جامعه در شعاع تحولات ناشی از انقلاب اسلامی قرار می‌گیرند» (شجاعیان، 1382: 58). جهت این تحولات همه‌جانبه که ذیل مفهوم انقلاب اسلامی رقم می‌خورد، تحقق تمدن نوین اسلامی است. «از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به‌مثابه یک متفکر و اندیشمند اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی در زنجیره‌ای منطقی و مستمر است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است و برای تحقق آن بایستی پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در مسیر تمدن‌سازی پشت سر گذاشته شود» (جهان‌بین و معینی‌پور، 1393: 29).

امروزه و با گذشت چهار دهه از استقرار نظام جمهوری اسلامی، ضمن بروز و ظهور دستاوردهای متعدد و ارزشمندی که به‌واسطه این نظام حاکمیتی پدید آمده است، مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات پیش روی مردم و انقلاب قرار دارد. نابسامانی‌های اقتصادی، عقب‌ماندگی نسبی در تحقق عدالت اجتماعی، بروکراسی ناکارآمد اداری، آسیب‌های اجتماعی و ... از جمله

مسائلی هستند که جامعه ایرانی پس از گذشتن بیش از چهل سال از پیروزی انقلاب با آنها مواجه بوده و عبور از آنها ضرورت ایجاد تحول در عرصه‌های گوناگون را دوچندان کرده است. به عبارت دیگر تغییرات خرد، جزئی و سطحی نمی‌تواند راه خروجی از مشکلات فعلی بگشاید و لذا جامعه به رخ دادن مجموعه‌ای از تحولات به‌منابه یک حرکت جهشی نیازمند است. به همین دلیل است که رهبر انقلاب نیز با وجود آنکه در سالیان متمادی بر ضرورت استمرار تحولات تدریجی در راستای پیاده شدن اهداف انقلاب پافشاری کرده‌اند، در سال‌های اخیر با تأکید بیشتری بر کلیدواژه «تحول» اصرار ورزیده‌اند.

«مقصود ما از تحول، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه بخش‌های اداری کشور و بخش‌های حکمرانی کشور و همچنین در بخش‌هایی از سبک زندگی عمومی و به طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روش‌ها و کارکردها» (رهبر معظم انقلاب، 1400/2/21)

باید به این موضوع توجه کرد که معنای تحول از دیدگاه مخالفان نظام جمهوری اسلامی با معنای این کلیدواژه از منظر طرف‌داران نظام متفاوت است. تحول در دیدگاه مخالفان نظام اسلامی به معنای نفی ارزش‌های اساسی انقلاب و نزدیک شدن به هنجارهای مسلط جهانی است؛ این در حالی است که در ایده انقلاب اسلامی، نفس تغییر و انقلاب به‌خودی‌خود و فارغ از هر جهت‌گیری و هدفی موضوعیت ندارد؛ همچنین تغییرات در راستای فاصله گرفتن از هنجارهای انقلابی نیز یک ضدارزش محسوب می‌شود، به این ترتیب مبتنی بر ایده انقلاب اسلامی تغییرات همواره باید در راستای جهتی باشند که به محقق شدن آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی بیانجامد.

ایجاد تحول در ایران امروز با هدف پیاده شدن هرچه بیشتر ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی یک پیش‌شرط بسیار مهم دارد؛ این پیش‌شرط اساسی آن است که ابتدا خود پدیده «تحول» از ابعاد مختلف به‌درستی فهم شود. فهم نادرست، ناقص یا سطحی از تحول می‌تواند باعث بروز آفاتی از جمله تندروی یا کندروی در مسیر ایجاد تغییرات و یا جهت‌گیری نادرست آن‌ها شود؛ به عبارت دیگر تحقق تحول نیازمند ابتدا به یک ایده منسجم در حوزه چپستی تحول، ابعاد تحول، چگونگی تحول و موارد دیگری از این قبیل است. به همین دلیل است که مقاله حاضر به بررسی وجوه مختلف موضوع تحول از دیدگاه رهبر معظم انقلاب می‌پردازد و از این طریق بخشی از مقدمات معرفتی ایجاد تحول در وضع موجود ذیل ارزش‌های اساسی انقلاب

اسلامی را فراهم می‌آورد.

اهمیت بررسی موضوع تحول از زاویه دید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، از سویی به شخصیت حقیقی ایشان به‌عنوان یک اندیشمند برجسته دینی معاصر و یکی از نظریه‌پردازان اصلی انقلاب اسلامی که از دوران نهضت تاکنون در حال خلق ایده درباره انقلاب بوده است برمی‌گردد و از سوی دیگر به جایگاه حقوقی ایشان به‌مثابه ولی‌فقیه و راهبر حرکت تحولی انقلاب اسلامی مربوط می‌شود.

بر اساس مجموعه نکات گفته شده، اصلی‌ترین سؤال مقاله حاضر عبارت است از:

❖ شبکه مضامین تحول از دیدگاه رهبر معظم انقلاب چیست؟

همچنین سؤالات فرعی این مقاله شامل موارد ذیل می‌شود:

(الف) از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اهمیت و جایگاه تحول چیست؟

(ب) از دیدگاه رهبر معظم انقلاب تحول چه شرایط و بایسته‌هایی دارد؟

(ج) از دیدگاه رهبر معظم انقلاب چه موانع و آفاتی در مسیر تحول وجود دارد؟

بر این اساس، برای پاسخگویی به سؤال از چیستی شبکه مضامین تحول از منظر رهبر معظم انقلاب که به‌نوعی بیانگر کلیت دیدگاه ایشان نسبت به موضوع تحول است، باید به این پرسش پاسخ داد که اساساً به چه دلایلی موضوع تحول از دیدگاه ایشان واجد اهمیت بوده و به یک مسئله کلیدی در مباحث ایشان تبدیل شده است. پس از فهم وجوه مختلف اهمیت و ضرورت اهتمام نسبت به مقوله تحول از دیدگاه رهبر انقلاب، نوبت بحث درباره این موضوع می‌رسد که از منظر ایشان برای تحقق تحول، وجود چه مقتضیاتی ضروری است و باید در صدد رفع چه موانعی بود که سوالات دوم و سوم، به ترتیب در تناظر با این موضوعات قرار دارند. به این ترتیب پاسخگویی به سه سؤال فرعی، منجر به فراهم شدن زمینه برای رسیدن به پاسخ سؤال اصلی پژوهش می‌شود.

1. چارچوب مفهومی

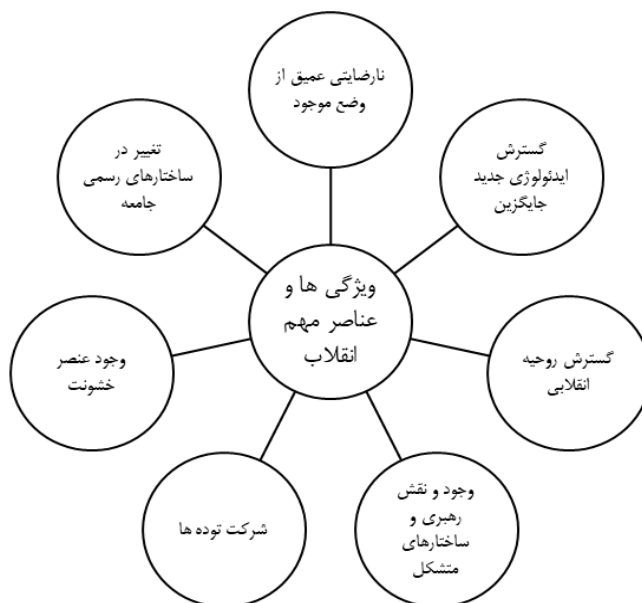
1.1. انقلاب

واژه انقلاب، واژه‌ای عربی از مصدر باب انفعال است. این لغت از ریشه «قلب»، به معنی زیورود شدن، حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تحول و تقلب و تبدل می‌باشد

(عمید، 1356: 167). انقلاب و تصریفات دیگر آن در باب انفعال، در قرآن و روایات به معنای انصراف و بازگشت به حالت قبل که نوعی تنافی و تمایز با حالت کنونی دارد استعمال شده و با همین مفهوم از زبان عربی وارد ادبیات فارسی شده و استعمال گردیده است. معادل عربی این واژه، الثورة، النهضة و الحركة بوده و معادل لاتین آن، Revolution است.

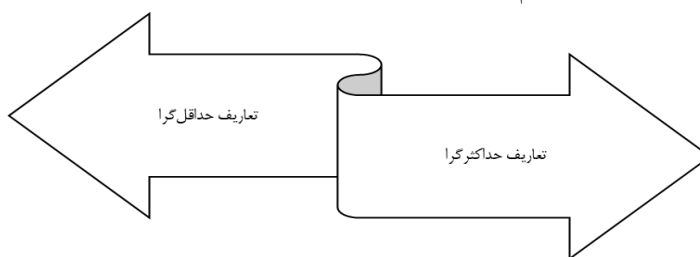
کاربرد واژه انقلاب به‌عنوان یک اصطلاح خاص در حوزه علوم اجتماعی، قدمت چندانی ندارد و عمر آن به درازای مباحث علوم اجتماعی در باب انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی مدرن است (گلدستون، 1392: 15) این مفهوم برای نخستین‌بار در سال 1630 به‌صورت یکی از اصطلاحات سیاسی، پس از رخ دادن مجموعه‌ای از دگرگونی‌های سیاسی در یک کشور به کار رفت (آرنت، 1381: 57-58).

تعاریف زیادی ناظر به مفهوم انقلاب ارائه شده است. «اگرچه غوطه خوردن در غرقاب تعاریف می‌تواند عمل کسالت‌آوری باشد ولی این کار نقطه شروعی اساسی در تحلیل هر یک از تئوری‌ها و مدل‌ها با پیش‌فرض‌های معینی از حیث تعریف انقلاب آغاز می‌گردد» (کوهن، 13: 26). ملکوئیان (1387) ضمن اشاره به این که یک تعریف مورد قبول همگانی از مفهوم انقلاب وجود ندارد، هفت ویژگی کلیدی را برای انقلاب برمی‌شمارد؛ این ویژگی‌های هفت‌گانه در شکل شماره (1) بیان شده است:



شکل شماره (1). ویژگی‌ها و عناصر مهم انقلاب (ملکوتیان، 1387: 22-35)

با یک نگاه کلان‌نگر به تعاریف ارائه شده از مقوله انقلاب، می‌توان به یک دسته‌بندی کلی از این تعاریف دست یافت. «با غوری در ادبیات موجود در خصوص انقلاب و انقلاب‌ها و از جمله با تأملی در ده‌ها تعریف موجود از این پدیده جالب‌توجه، می‌توان تعاریف موجود را به دو دسته عمده حداقل‌گرا و حداکثرگرا تقسیم نمود. تعاریف حداقل‌گرا از انقلاب به تعاریفی گفته می‌شود که به وجود حداقل علائم و خصوصیات در یک پدیده برای نامیدن آن با عنوان انقلاب بسنده می‌کند؛ در حالی که تعاریف حداکثرگرا اطلاق عنوان انقلاب به هر پدیده‌ای را به راحتی بر نمی‌تابند و وجود مجموعه‌ای از شاخص‌ها و ویژگی‌ها را برای نامیدن آن پدیده به عنوان انقلابی ضروری و لازم می‌دانند» (خرمشاد، 1381: 59).



شکل شماره (2). انواع تعاریف انقلاب

1.2. تحول

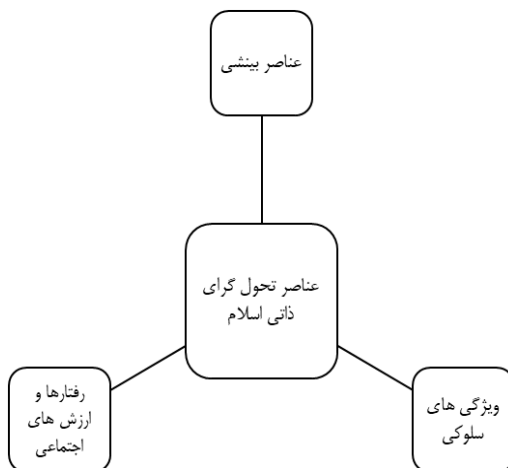
تحول به لغت معنای دگرگونی و تغییر یافتن است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۵۹ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۶)، البته معنای مصدری «تحول در لغت به معنای جابه‌جایی از موقعیتی به موقعیت دیگر می‌باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۵۸ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱: ۱۸۹) یعنی جابه‌جایی از موقعیتی به موقعیت دیگر، و این موقعیت را مرحله‌ای سرنوشت‌ساز نام نهاده‌اند. (افرام بستانی، ۱۳۷۰: ۲۱۶).

در حوزه علوم اجتماعی، اندیشمندان مختلف به ارائه تعاریف متنوعی از مقوله تحول پرداخته‌اند. در این میان لېخندق (1394) مجموعه تعاریف ارائه شده از مقوله تحول توسط اهالی علوم اجتماعی را این‌چنین جمع‌بندی کرده است: «از دیدگاه ایشان، تحول، مجموعه‌ای از تغییرات است که در طول یک دوره طولانی، طی یک و یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد، بنابراین، تحول بر اساس تعریف فوق، مجموعه فرایندهایی است که در یک مدت‌زمان کوتاه نمی‌توان آن را ملاحظه کرد. از این منظر، پدیده تحول را می‌توان به‌مثابه منظره واحدی

متشکل از توده‌ای از جزئیات دانست که جز از ارتفاع زیاد قابل‌رؤیت نیست» (لبخندق، 1394: 25).

اهالی علوم اجتماعی معمولاً مفهوم تحول را از مفهوم تغییر تفکیک کرده‌اند. بر این اساس، برای فهم بهتر مقوله تحول، باید معنای آن را در نسبت با مفهوم تغییر فهمید و به تفاوت‌های این دو با یکدیگر توجه داشت: تغییر عبارت است از پدیده‌های قابل‌رؤیت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه، به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگی‌اش می‌تواند یک تغییر را شخصاً تعقیب نماید، نتیجه قطعی‌اش را ببیند و یا نتیجه موقتی آن را دریابد. علاوه بر این، تغییر اجتماعی در محدوده یک محیط جغرافیایی و اجتماعی معینی صورت می‌پذیرد و در این مورد، تفاوتش با تحول در این است که آن را می‌توان در چارچوب یک محدوده جغرافیایی و یا در کادر اجتماعی فرهنگی خیلی محدودتری مورد مطالعه قرار داد (روشه، 1394: 26).

ذوعلم (1397) در کتاب خود با عنوان «نظریه تحول در اسلام؛ رهیافتی در باب گفتمان دینی انقلاب» بر این باور است که اسلام ذاتاً فرد و جامعه مسلمان را به تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی برمی‌انگیزد و بدون جمود و تعصب نسبت به روش‌ها، متناسب با شرایط، امکانات و محدودیت‌ها، جامعه را به‌سوی وضع مطلوب سوق می‌دهد. وی عناصر ذاتی اسلام که باعث سوق دادن جوامع اسلامی به سمت تحول‌خواهی می‌شود را در سه دسته «عناصر بینشی»، «ویژگی‌های سلوکی» و «رفتارها و ارزش‌های اجتماعی» دسته‌بندی کرده است.



شکل شماره (3). عناصر تحول‌گرای ذاتی اسلامی (ذوعلم، 1397: 95-115)

ذوعلم معتقد است که دستیابی به راهکار مشروع و مؤثر جهت اصلاح و تحول اجتماعی در پرتوی دو عنصر مهم «مصلحت» و «اجتهاد» رقم می‌خورد. او همچنین به بررسی ضرورت رهبری ولایی برای جامعه اسلامی در عصر غیبت پرداخته و به این نتیجه رسیده است که نقش رهبری ولایی، تنها در نظارت و تضمین سلامت قانونی و اخلاقی حکومت خلاصه نمی‌شود، بلکه مهم‌تر از آن در تشخیص راهکارهای بهینه در فرایند تحول جامعه خود را می‌نمایاند. ذوعلم در کتاب خود به ریشه‌یابی و تحلیل چرایی انقلاب اسلامی ایران از نگاه امام خمینی (ره) پرداخته و در این حوزه اشاره به چهار نکته را در کانون مباحث خویش قرار داده است:

- (الف) انقلاب اسلامی یک معجزه الهی است و در چارچوب تحلیل‌های صرف علمی، تبیین نمی‌شود.
 (ب) عامل محوری انقلاب، یک «تحول معنوی» در توده مردم بوده است.
 (ج) منشأ ایجاد تحول معنوی مذکور، لطف ویژه حضرت حق بوده است.
 (د) شرایط اجتماعی در دوران انقلاب، نه تنها همسوی این رویداد نبوده که بازدارنده آن نیز محسوب می‌شده است.

یکی از مسائل مهم در نسبت انقلاب اسلامی و نظام سیاسی اجتماعی برآمده از آن یعنی نظام جمهوری اسلامی با موضوع تحول، چگونگی جمع دو مؤلفه تحول و ثبات با یکدیگر است. از طرفی لازمه فهم تکاملی انقلاب اسلامی، امتداد یافتن دائمی تغییرات است و از سوی دیگر شکل دادن به یک ساختار سیاسی - اجتماعی مستقر در جامعه به برقراری نظم و ثبات نیاز دارد. به نظر می‌رسد «با ابتناء به اندیشه مقام رهبری به دست می‌آید که میان انقلابی‌گری و نظم اجتماعی و حتی نظم سیاسی، تضاد و تنافری وجود ندارد، بلکه اتفاقاً از بایسته‌های شکل‌دهی به جامعه مطلوب در اندیشه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای، انقلابی‌گری نظام اسلامی در معنای واقعی آن است» (سرپرست سادات، 1398: 281). کلیدواژه نظریه نظام انقلابی که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد استفاده رهبر معظم انقلاب واقع شده است به همین مضمون اشاره دارد.

«انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» (رهبر معظم انقلاب، 1397/11/22)

در تعریف نظام انقلابی می‌توان گفت که این نظام «یک نظام ایدئولوژیک موفق است که

ضمن نفی کامل ساختار ایدئولوژیکی نظام جهانی به دنبال استقرار عدل در دنیا و برپایی حکومت مستضعفین بوده و با بیداری اسلامی توده‌های مردمی تحت یک رهبری شجاع، آگاه به زمان و پایبند به اهداف مدنی اسلام و زنده نگه‌داشتن آرمان‌های اساسی انقلاب تلاش می‌کند احکام، مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی را در کلیه شئون زندگی اجرا نماید» (امینی و مبینی، 1398: 44). میرباقری و نوروزی (1398) با اشاره به این که ایده نظام انقلابی یک نظریه اجتماعی است به این نکته می‌پردازند که «بر اساس نظریه نظام انقلابی، جوشش انقلابی با نظم اجتماعی و سازمان‌دهی و مدیریت این تحرکات با همدیگر جمع می‌شوند، در واقع نظمی که ایجاد می‌شود متناسب با این جوشش انقلابی است» (میرباقری و نوروزی، 1398: 94).

2. روش تحقیق

با توجه به این که پژوهش حاضر، ماهیتی اکتشافی دارد و در آن تلاش می‌شود تا از مجموعه بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب، شبکه مفاهیم و مقولات مرتبط با موضوع تحول استخراج شود؛ این مقاله در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و از میان روش‌های متعدد کیفی هم از روش تحلیل مضمون¹ که یکی از منعطف‌ترین و خلاقانه‌ترین روش‌ها به شمار می‌آید استفاده می‌کند. تحلیل مضمون، روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006).

در پژوهش حاضر، داده‌های موردنیاز به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و از طریق مطالعه و فیش‌برداری تمامی بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب در دوره زعامت ایشان یعنی از خرداد سال 1368 تا آبان 1400 که در آن‌ها از کلیدواژه تحول استفاده شده بود به دست آمده است. در این مرحله از میان انبوه متون موجود از رهبر معظم انقلاب، تعداد 168 گزاره استخراج شد که به نظر می‌رسید واجد ظرفیت استخراج مضامین مرتبط با موضوع تحول هستند.

بعد از گام گردآوری داده، نوبت به مرحله تحلیل داده می‌رسد. در روش تحلیل مضمون، بار اصلی فرایند تحلیل داده، بر روی کدگذاری داده‌هاست. در نخستین بخش از فرایند کدگذاری، گزاره‌هایی که در مرحله قبل استخراج شده بود، چندین بار مورد مطالعه قرار گرفته و به این

¹. Thematic analysis

ترتیب تعداد 104 کد توصیفی (مضمون اولیه) از دل آنها ناظر به موضوع تحول استخراج شد. در ضمن طی شدن این فرایند، ایده‌هایی که ناظر به سازماندهی مضامین و ربط و نسبت آنها با یکدیگر به ذهن می‌رسید در قالب مجموعه از یادداشت‌ها ثبت و ضبط شد.

در مرحله دوم کدگذاری، کدهای توصیفی استخراج شده پس از پالایش و مرتب‌سازی، ذیل پنجاه و سه کد تفسیری دسته‌بندی شدند. کدهای تفسیری از سطح انتزاع بالاتری نسبت به کدهای توصیفی برخوردارند، به نحوی که هر کد تفسیری یک یا چند کد توصیفی را ذیل خود جای داده است.

در آخرین مرحله کدگذاری، کدهای تفسیری ذیل هشت کد یکپارچه‌ساز قرار گرفتند. این کدهای یکپارچه‌ساز، کلان‌ترین مقولاتی هستند که از سوی رهبر معظم انقلاب در موضوع تحول بیان شده و سایر مفاهیم و مقولات، ذیل آنها سامان می‌یابند. درنهایت با توجه به مراحل سه‌گانه کدگذاری‌های انجام شده در فرایند تحلیل داده و پس از مرور یادداشت‌هایی که در طی فرایند تحلیل داده تنظیم شده بود، شبکه مضامین تحول از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی طراحی و ترسیم شد که در ادامه مقاله به ارائه، توضیح و تبیین آن پرداخته خواهد شد.

3. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در جریان پژوهش حاضر، مضامین پایه استخراج شده از دل گزاره‌ها ذیل پنجاه و سه کد تفسیری دسته‌بندی شدند و نهایتاً کدهای تفسیری ذیل هشت مضمون یکپارچه‌ساز قرار گرفتند. در جدول شماره (2) نمونه‌ای از کدگذاری‌های اولیه انجام شده بر روی بیانات رهبر معظم انقلاب در موضوع تحول از ابتدا رهبری معظم‌له در سال 1368 تا انتهای سال 1376 نشان داده شده است.

| کد اولیه | گزاره | مضمون پایه |
|----------|---|-----------------------------------|
| C001 | قرن نوزدهم که اوج تحقیقات علمی در عالم غرب می‌باشد، عبارت از قرن جدایی از دین و طرد دین از صحنه زندگی است. این تفکر... علمای دین را صرفاً به مسائل ذهنی دینی - و لاغیر - محدود و محصور کرد و آنها را از تحولات دنیای خارج بی‌خبر نگه داشت. پیشرفت‌های علم از نظر آنها | ضرورت تحول در حوزه‌های علمی و فقه |

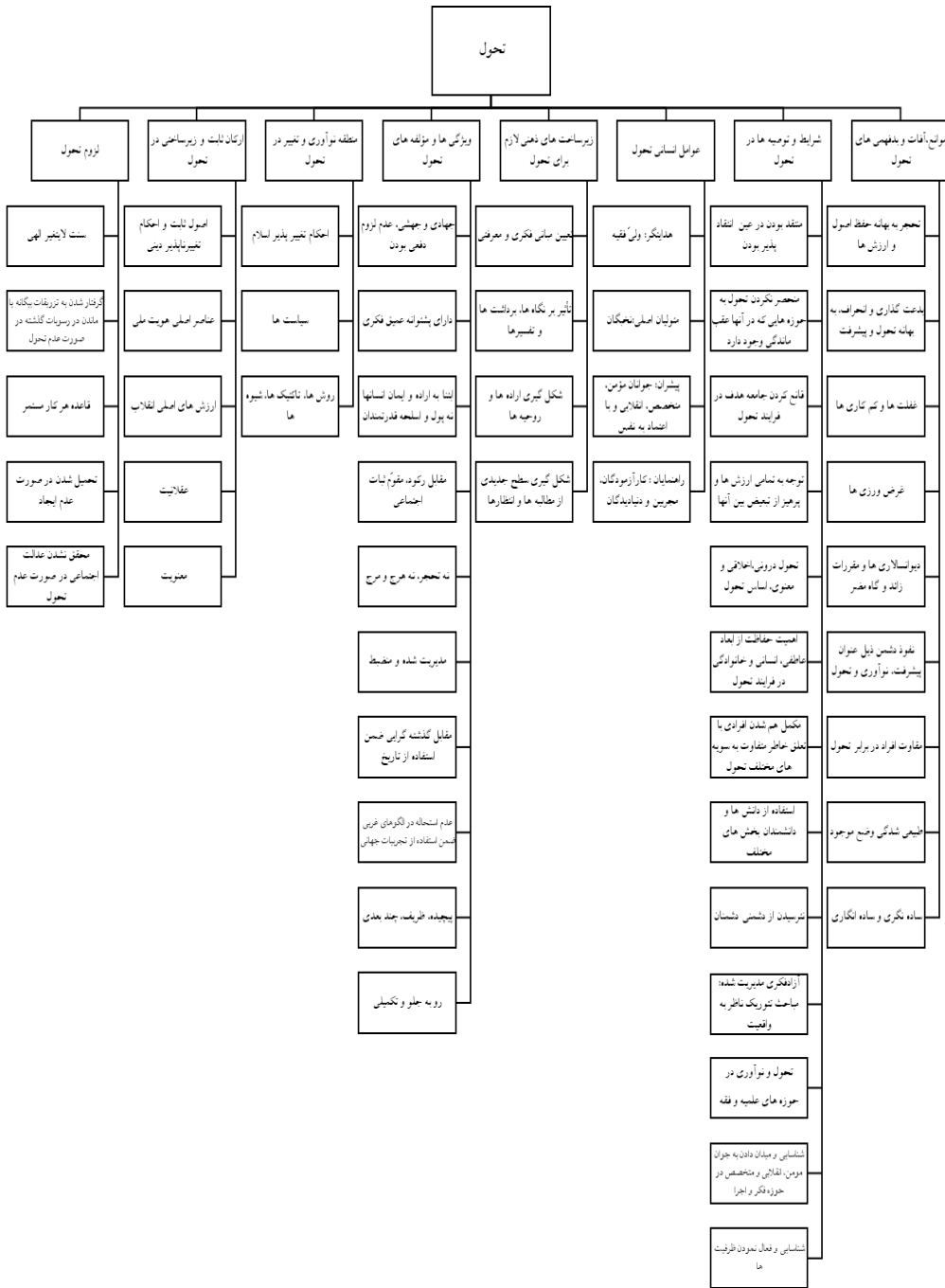
| | | |
|--|--|--------------------|
| | <p>پوشیده ماند و روح تحول‌گرایی و ضرورت تحول در فقه اسلام و استنباط احکام دینی ... در حوزه‌ها از بین رفت. حوزه‌ها از واقعیت زندگی و حوادث دنیای خارج و تحولات عظیمی که به وقوع می‌پیوست، بی‌خبر ماندند و به یک سلسله مسائل فقهی و غالباً فرعی محدود شدند. 1368/9/29</p> | |
| <p>تحول درونی انسان‌ها، مقدمه و خاستگاه تحولات عالم</p> | <p>این انسان‌ها هستند که متن زندگی را و واقعیت جهان را و عالم را ... می‌سازند ... هر جا انسان‌ها در خود تحولی عمیق به وجود آوردند، در زندگی آنها هم تحولی عمیق به وجود خواهد آمد. ... ما مردم ایران، این فرصت را پیدا کردیم ... که زندگی خودمان را تحول بدهیم و از اسارت طاغوت و از حاکمیت شیطان، به حاکمیت الله و مدیریت دین خدا خودمان را متحول کنیم. ... و ما ملت ایران وظیفه داریم که این راه را طی کنیم. 1369/1/1</p> | <p>C002</p> |
| <p>محقق نشدن تحول لازم در فرهنگ جامعه</p> | <p>آیا فرهنگ جامعه، بر مبنای تفکر و روحیه انقلاب، آن تحول لازم را پیدا کرده است؟ اگر بگوییم بله، چنانچه کسی با ژرف‌نگری به مسئله نگاه کند، بعید است که این را از ما قبول نماید. 1369/9/19</p> | <p>C003</p> |
| <p>تدریجی بودن تحولات فرهنگی</p> | <p>خیلی تغییرات ایجاد شده؛ اما نمی‌شود ادعا کرد که تحول کامل فرهنگی انجام شده است. شاید انتظار هم نباشد که در طول ده، دوازده سال، تحول کامل فرهنگی انجام شود و مثلاً لازم باشد که در طول سی سال، چهل سال و یا پنجاه سال، این تحول انجام شود حرفی نیست اما حرکت باید به آن جهت باشد. 1369/9/19</p> | <p>C004</p> |
| <p>تحول اخلاقی در مردم، مقدمه تحقق وعده‌های قرآنی</p> | <p>اگر مردم متحول شدند، دنیا متحول خواهد شد. اگر مردم از تحول عمیق برخوردار شدند، این حرکت تا ابد ادامه پیدا خواهد کرد. اگر اخلاق مردم، اخلاق اسلامی و قرآنی شد، تمام وعده‌های قرآن درباره این ملت تحقق پیدا خواهد کرد. ما می‌خواهیم این راه ادامه پیدا کند و این حرکت تا اهداف نهایی و غایی پیش برود. با چه وسیله‌ای؟ با مردم مؤمن ...</p> | <p>C005</p> |

| | | |
|--|--|------|
| | 1369/12/22 | |
| تحول دائم، قاعده هر کار مستمر | قاعده هر کار مستمر، بخصوص وقتی وظیفه بزرگی بر عهده دارد، این است که به طور دائم در حال تحول و پیشرفت باشد. 1370/6/25 | C006 |
| تحول دائم در جامعه، راه پیش‌گیری از استتعاله در: 1- تزریقات بیگانه 2- رسوبات گذشته | در جامعه اسلامی دائماً باید صیروت و تحول وجود داشته باشد، تا در این تزریقات بیگانه یا رسوبات گذشته، افراد استتعاله نشوند. 1370/12/14 | C007 |
| تحول درونی انسان‌ها، مقدمه ضروری حل مشکلات جامعه | برای پیشرفت در هدف‌های دنیا و آخرت، باید یک تحولی در درون انسان به وجود بیاید؛ تا آن تحول در درون یک جامعه ایجاد نشود، و به طور خاص در جوامع اسلامی تا وقتی که دل‌ها با خدا آشنا نشود و راه خدا به عنوان برترین راه و صراط مستقیم مورد توجه و تبعیت قرار نگیرد، مشکلات جوامع اسلامی حل نخواهد شد. 1372/1/4 | C008 |
| جایگاه روحانیت در تحولات بزرگ و اصلاحی ایران در سده اخیر | از صدسال پیش به این طرف، هر حرکت اصلاحی، مبارزه اجتماعی و سیاسی و هر تحول بزرگی در ایران اتفاق افتاده است، یا رهبران آن‌ها روحانی بوده‌اند و یا روحانیت جزو رهبران آن‌ها بوده است. 1374/08/10 | C009 |
| دشواری تحول اخلاقی در همه جامعه | در جامعه، به یک معنا این حرکت [تحول معنوی و اخلاقی] از همه حرکت‌ها دشوارتر است و خیلی سخت است که انسان از لحاظ اخلاقی، همه جامعه را نوسازی کند و تحول ببخشد و رذایل اخلاقی را کنار بریزد و معنویات را بر جامعه مستقر کند. 1376/1/1 | C010 |

| | | |
|---|--|-------------|
| تحول عمیق اخلاقی، لازمه تحقق عدالت اجتماعی | ما بدون یک تحول اخلاقی عمیق و گسترده، نخواهیم توانست عدالت اجتماعی را آنطوری که مورد نظر اسلام است، انجام دهیم. 1376/1/1 | C011 |
| دشواری تحول در اخلاق فردی و جمعی در تحول اجتماعی | در یک تحول اجتماعی، آن چیزی که آخرتر از همه اصلاح می‌شود و تغییر پیدا می‌کند، اخلاق است؛ اخلاق، نه به معنای رفتار ... آن هم دیر عوض می‌شود؛ لیکن منظور ما آن نیست. آن چیزی که از همه دیرتر عوض می‌شود، اخلاقیات و خُلُقِیَّات انسان‌هاست؛ چه خُلُقِیَّات فردی، چه خُلُقِیَّات جمعی؛ 1376/12/13 | C012 |
| معنویت، شرط لازم تحول حقیقی حتی در جهات سیاسی و مادی | ... اگر یک ملتی که در راه صلاح و فلاح و انقلاب و تحول حقیقی حرکت می‌کند، اگر از معنا صرف‌نظر کرد، اگر دور معنویت را خط کشید، اگر بهره خود را از معنویت نبرد، در جهت سیاسی و مادی هم استفاده نخواهد کرد. 1376/12/13 | C013 |

جدول شماره (1). نمونه کدگذاری بیانات رهبر معظم انقلاب در موضوع تحول

در ادامه ابتدا شبکه مضامین تحول از دیدگاه رهبر معظم انقلاب ارائه شده و سپس به تبیین و تشریح هرکدام از مضامین و مقولات اصلی موجود در این شبکه مضامین پرداخته می‌شود. شبکه مضامین تحول از منظر رهبر معظم انقلاب در شکل شماره (4) ارائه شده است.



شکل شماره (4). شبکه مضامین تحول از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

نخستین مقوله به دست آمده در این پژوهش که در شبکه مضامین تحول از دیدگاه رهبر معظم انقلاب نیز درج شده، مقوله «لزوم تحول» است، از دیدگاه رهبر انقلاب، اصل تحول با شرایط مطلوب آن، «قاعده هر کار مستمر»، «شرط بقای انقلاب» و یک «سنت لایتغیر الهی» است که چنانچه در برابر آن بایستیم یا برای تحقق آن اقدام نکنیم، تغییرات و تحولات نامطلوب و غافلگیرکننده دیگران بر ما تحمیل شده و مسیر را به انحراف می‌کشاند. طبیعتاً عدم تحقق تحول جهت‌دار و ضابطه‌مند، باعث محقق نشدن ارزش‌های کلیدی انقلاب اسلامی، به‌خصوص عدالت اجتماعی می‌شود. توصیه‌های مکرر ایشان به پرهیز از جمود، تجر، سکون، سکوت، رسوب و گذشته‌گرایی هم در همین راستا تحلیل می‌شود.

دومین مقوله به دست آمده در این پژوهش «ارکان ثابت و زیرساختی در تحول» است. در توضیح این مقوله باید گفت که رهبر انقلاب همانند بسیاری از متفکران و اندیشمندان و مصلحان اسلامی، تحول را در چارچوب اصول و ارکانی ثابت تعریف می‌کنند. از این منظر تغییر و نوآوری می‌باید مبتنی بر «احکام و اصول ثابت دین مبین اسلام»، «هویت ملی» (مشمول بر هویت دینی)، «ارزش‌های اصلی انقلاب اسلامی» و همراه با زیرساختی از «عقلانیت» و «معنویت» باشد. چنین تغییرات و نوآوری‌هایی نه تنها مطلوب که ضرورت و قاعده هر کار مستمری مانند انقلاب اسلامی است، چراکه از دیدگاه ایشان انقلاب اسلامی، یک واقعه تاریخی محصور در سال 1357 نیست بلکه امری مستمر، پویا و رو به احیاء تمدن نوین اسلامی است. سومین مقوله کلیدی این پژوهش یعنی «منطقه نوآوری و تغییر در تحول» نیز بیانگر آن است که تحول در چارچوب اصول و ارکان ثابت در گستره «سیاست‌ها»، «روش‌ها، تاکتیک‌ها، شیوه‌ها» و حتی «احکام تغییرپذیر اسلام» رخ می‌دهد.

چهارمین مقوله مندرج در شبکه مضامین، «ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تحول» است. تأکیدات مکرر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر پرهیز از ساده‌انگاری، سطحی‌نگری، تعجیل و یا تأخیر در تحول، طی سنوات طولانی و با ادبیات مختلف، نشان‌دهنده نگرانی ایشان از تکرار برخی تجارب تلخ پس از انقلاب در این زمینه است. کاربرد پرتکرار واژگانی چون هرج‌ومرج، آنارشسیسم، ساختارشکنی، سطحی، سبک، دم‌دستی و ... در سویه منفی و پرهیزی تحول تأکید چندباره بر ویژگی‌های یک تحول مطلوب همچون عمیق بودن، ظریف بودن، مدیریت‌شدگی، برخورداری از پشتوانه فکری، داشتن برنامه، عقبه عقلانی محکم و استدلالی، منضبط و

چندبعدی بودن، همه و همه حاکی از رهیافتی چندلایه، مدبرانه، هوشمندانه و جامع‌نگر به تحول است. در این زمینه استفاده از تجارب جهانی شرق و غرب جهان نیز به مستحیل نشدن در الگوها و معیارهای آنان و حفاظت از هویت اسلامی و ملی جامعه مشروط شده است.

دو مقوله «زیرساخت‌های ذهنی لازم برای تحول» و «عوامل انسانی تحول» به آن اشاره دارد که از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مسیر تحول، توجه توأمان به هر دو دسته از عوامل انسانی و ساختاری ضرورت دارد ولی در نهایت این عامل انسانی است که می‌تواند با عزم و اراده راسخ خود، بر موانع ساختاری فائق آید. زیرساخت‌های ذهنی لازم برای تحقق تحول بیرونی به ترتیب عبارت‌اند از: مبانی فکری و معرفتی، تأثیر بر برداشت‌ها، تفسیرها و نگاه‌ها، شکل‌گیری اراده‌ها و روحیه و در نهایت به وجود آمدن نوع و سطح جدیدی از مطالبات و انتظارات. از همین روست که ایشان تحول مثبت درونی، اخلاقی و معنوی انسان‌ها را اساس و خاستگاه ارزشمند تحولات بیرونی می‌دانند. از همین رو تحول مطلوب در نظام اسلامی، با هدایتگری فقیه عادل زمان‌شناس، به تولی‌گری نخبگان حوزوی و دانشگاهی، با راهنمایی مجربین، کارآزمودگان و دنیادیدگان و با پیشرانی جوانان مؤمن، متخصص و انقلابی محقق می‌شود.

مقوله دیگر پژوهش حاضر «شرایط و توصیه‌ها در تحول» است. از دیدگاه رهبر انقلاب ضرورت تحول صرفاً به حوزه‌هایی که در آن‌ها عقب‌ماندگی وجود دارد محدود نمی‌شود بلکه حتی در عرصه‌هایی که جامعه در آن‌ها در شرایط قابل قبولی به سر می‌برد نیز ضروری است. اقناع و همراهی جامعه هدف تحول، نقد منصفانه و نقدپذیری، استفاده از دانش دانشمندان، توجه به ابعاد انسانی و عاطفی و خانوادگی، نترسیدن از دشمنی‌ها و مخالفت‌ها، آزادفکری و شناختن و فعال کردن ظرفیت‌ها از جمله توصیه‌های ایشان در این مسیر است.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، تحول همیشه با موانعی در فهم یا اجرا مواجه بوده و خواهد بود؛ در همین نقطه است که آخرین مقوله این پژوهش یعنی «موانع، آفات و بدفهمی‌های تحول» اهمیت می‌یابد. بر این اساس از یک سو تحجر به بهانه حفظ اصول و از یک طرف بدعت و انحراف به بهانه پیشرفت، مهم‌ترین این موانع هستند. غفلت‌ها و کم‌کاری‌های برخی همراهان، دیوان‌سالاری فربه و مقررات زائد از دیگر موانع به شمار می‌روند. مقاومت سه دسته از افراد در برابر تحول قابل توجه است. این سه دسته شامل افرادی می‌شود که برخی حال و حوصله تغییرات بنیادی ندارند، برخی توان آن را ندارند، برخی هم از وضع موجود متفع هستند. در مقاطعی از

انقلاب اسلامی مانند دوران پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی، مقاومت این سه دسته از افراد بسیار مثال‌زدنی است.

نتیجه‌گیری

تحول، مفهوم تازه‌ای نیست و در همیشه تاریخ و از جمله در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران - گاهی بیشتر و گاهی کمتر - مورد توجه رهبران و یا مورد مطالبه عموم مردم بوده است؛ اما جهت‌ها، شیوه‌ها و اهداف تحول، مبتنی بر اندیشه‌ها و اقتضائات تاریخی، متفاوت بوده است.

در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تحول با رویکرد نفی عوامل انسانی و مؤلفه‌های ساختاری، فرایندی و محتوایی نظام شاهنشاهی و ایجاد نظامی با عناصر، ویژگی‌ها و معیارهای اسلامی در اوج خود بوده است؛ در دهه پس از آن نیز با جهت‌گیری‌ها و رویکردهای دیگری همچون توسعه سیاسی، عدالت‌طلبی، بازگشت به ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی و ... هم جامعه و هم بخش‌هایی از حاکمیت، در پی تحول بوده‌اند. به‌عنوان مثال، در سال‌های 1376 یا 1384، تحول در قوه مجریه یا دولت به‌عنوان یک مطالبه به عرصه عمومی جامعه کشیده شد و به تغییراتی روشن نیز انجامید. در سطح حاکمیت نیز تحول سازمان صداوسیما در سال 1373، تحول قوه قضائیه در سال 1388، تحول آموزش و پرورش پس از ابلاغ سند مربوطه در سال 1390 و یا تحول در سازمان تبلیغات اسلامی در سال 1397- در مقیاس‌های گوناگون - مورد توجه و مطالبه رهبران و یا مورد ادعای مسئولین این نهادها بوده است.

پژوهش حاضر در بازخوانی و تحلیل روشمند بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در دوره زعامتشان و در جایگاه رهبری انقلاب، ما را با دو گونه کلی از مواضع ایشان در قبال مفهوم تحول آشنا می‌کند. نخست مضامین ناظر به مصادیق تحول در بازه‌های زمانی و تاریخی معین (نظیر آنچه گذشت) و دیگری ناظر به نظریه‌پردازی‌ها و مضامین مستقلى که در مقام مطالبه و تبیین مفهوم تحول از دیدگاه اسلام و انقلاب اسلامی است. اما این روند در سخنرانی 14 خردادماه سال 1399 که به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) و به‌صورت تلویزیونی ایراد شد و مواضع و بیانات بعد از آن، به اوج خود می‌رسد. در این سخنرانی خاص، هم برای نخستین‌بار موضوع اصلی سخنرانی به تبیین مفهوم تحول اختصاص یافت و هم به‌طور هم‌زمان، به هر دو الگوی مورد اشاره (ناظر به مقطع خاص تاریخی و تبیین

عام) پرداخته شده و هم اینکه خاستگاه تشریح ویژگی‌های تحول را در اندیشه‌ها و کنشگری‌های حضرت امام خمینی (ره) قرار داده شد.

به نظر می‌رسد که تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور از یک سو و فرارسیدن هم‌زمان دوره انتقالی اکثر ارکان حاکمیت طی سال‌های 1399 تا 1401 از دیگر سو، از مهم‌ترین دلایل توجه و تمرکز خاص ایشان بر موضوع تحول بوده است. مجلس شورای اسلامی (1399)، دولت (1400)، سازمان صداوسیما (1400)، شورای عالی انقلاب فرهنگی (1400)، مجمع تشخیص مصلحت نظام (1401) و شورای عالی فضای مجازی (1401) از جمله این تغییرات بوده و هستند. ضمن آنکه رئیس وقت قوه قضائیه (در سال 1399) نیز فعالیت‌های خود را با محور تحول پیش می‌برد. مجموعه این شرایط، مقطعی کوتاه و کم‌سابقه از تغییرات و تحولات هم‌زمان در بدنه حاکمیت را گزارش می‌دهد. خلاصه آنکه همه تازه منصوبان و تازه منتخبان، آشکار به دنبال تحول در حوزه مدیریت تحت خویش می‌باشند. از همین رو ارائه الگویی جامع و چندبعدی از تحول در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی برای پیشگیری از آسیب‌ها و ارتقای بهره‌مندی از توفیقات تجارب پیشین ضروری است. به‌ویژه آنکه در قریب به اتفاق اسناد تحولی منتشر شده توسط دستگاه‌های فوق و یا سخنان مسئولین، این آرایش جدید، مهم‌ترین نقطه عزیمت، اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی اعلام شده است.

مطالعه شبکه مضامین حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ضمن آنکه تحول دائمی در نظام جمهوری اسلامی ایران و فرایند شدن همیشگی انقلاب اسلامی، ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق تمدن نوین اسلامی است و به‌رغم دستاوردهای مهمی که هریک از مقاطع مذکور به همراه داشته است؛ آسیب‌ها و کژکارکردهایی نیز ذیل این مفهوم برای جامعه و نظام به یادگار گذاشته‌اند، تا آنجا که حتی گاه در پس این اقدامات و گفتارهای تحول‌انگازانه، نوعی از پسرفت و گذشته‌گرایی را نیز شاهد بوده‌ایم.

دوگانه‌های مهمی که در مضامین استنباطی از اندیشه رهبر معظم انقلاب حول مفهوم تحول به دست آمده است، به‌خوبی این سویه‌های افراطی و تفریطی را نشان می‌دهد. دوگانه‌هایی چون: غفلت و کم‌کاری از درون در کنار نفوذ و هجوم دشمن از بیرون، تحجر از یک سو و بدعت از دیگر سو، رکود از سویی و بی‌ثباتی اجتماعی از سوی مقابل، حرکت‌های کند و بطئی در مقابل هیجانات تند و دفعی، ماندن در تک‌بعدی ارزش‌های ثابت و یا مستحیل شدن در

عناصر ظاهری پیشرفت و ترقی، جوان‌گرایی خام و رها کردن تجربیات مجربین و دنیا دیدگان در مقابل فرتوت شدن بدنه مدیریتی کشور و مقاومت در برابر جوان‌گرایی، جمود و تکرار و نظم‌های آهنین از یک سو و هرج‌ومرج و آنارشسیسم و شالوده شکنی از دیگر سو، همه و همه در خدمت شکست فرایند تحول انقلابی در نظام جمهوری اسلامی است. پرهیز از غلتیدن در این سویه‌ها و طی مسیر در صراط صحیح تحول، البته که هم به مبانی معرفتی و فکری و نخبگانی محتاج است و هم به روحیه و عملیاتی جهادی؛ هم موافق کسب تجارب جهانی است و هم مخالف استحاله در الگوها و معیارهای آنان؛ هم به‌فوریت و اولویت حوزه‌هایی که عقب افتاده‌ایم اذعان دارد و هم از عرصه‌هایی که پیش‌تر هستیم غفلت نمی‌کند.

مطالعه مجموعه‌ای و یکپارچه این مضامین نشان می‌دهد که تحول راستین، نه امری ساده، که به‌غایت پیچیده و دشوار است. شاید پس از عامل افراط و تفریط، همین ساده‌نگاری‌ها و ساده‌نگری‌ها و مواجهه‌گزینشی و کاریکاتوری با بیانات رهبر معظم انقلاب و عدم فهم دقیق و عمیق اندیشه راقی ایشان، مهم‌ترین عامل ناکامی شکست و یا انحراف در برخی تحول‌خواهی‌ها پس از پیروزی انقلاب بوده است.

کتابنامه:

- ابن منظور، محمد بن مکرم (1414 ه ق). لسان العرب. بیروت: دار الصادر.
- آرنت، هانا (۱۳۸۱). انقلاب. (عزت‌الله فولادوند، مترجم). تهران: خوارزمی.
- افرام بستانی، فؤاد (1375). فرهنگ ابجدی. تهران: نشر اسلامی.
- امینی، سید جواد و مبینی، محمد (۱۳۹۸). «تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران». پژوهش‌های انقلاب اسلامی، 30(8)، 23-48.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به نشانی اینترنتی farsi.khamenei.ir
- جهانبین، فرزاد؛ و معینی‌پور، مسعود. (۱۳۹۳). فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. مطالعات انقلاب اسلامی، 39(11)، 29-46.
- خامنه‌ای، سیدعلی (1397/11/22). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، منتشر شده در آدرس اینترنتی <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۱). «انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در رویکردی نظری». اندیشه انقلاب اسلامی، 1(1)، 57-80.
- ذوعلم، علی (۱۳۹۷). نظریه تحول در اسلام، رهیافتی در باب گفتمان دینی انقلاب. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. (نشر اثر اصلی ۱۳۸۳)
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412 ه ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- روشه، گی (1394). تغییرات اجتماعی. (منصور وثوقی، مترجم). تهران: نشر نی.
- سرپرست‌سادات، سید ابراهیم (۱۳۹۸). «جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه «نظام انقلابی»». نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، 17(9)، 281-302.
- شجاعیان، محمد (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی: (تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریه‌های انقلاب). (مرکز اسناد انقلاب اسلامی). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (1375). مجمع‌البحرین. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- عمید، حسن. (۱۳۵۶). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- قربانی، مصطفی (۱۳۹۸). انقلاب اسلامی؛ انقلابی تکاملی. پیام، 129(0)، 27-36.
- کوهن، آلوین استنفورد (۱۳۸۵). تئوری‌های انقلاب. (علیرضا طیب، مترجم). تهران: قومس.

گلدستون، جک (۱۳۹۲). مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها. (محمدتقی دلفروز، مترجم). تهران: کویر.

لبخندق، محسن (۱۳۹۴). تبیین فرایند تکوین و تحول فرهنگ، با تأکید بر حکمت صدرایی (پایان‌نامه رساله جهت اخذ درجه دکتری). دانشگاه باقرالعلوم، قم.

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷). بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه‌پردازی‌ها. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

میرباقری، سید محمدمهدی و نوروزی، حسن (۱۳۹۸). عصر جدید: خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام دوم. (کارگروه تدوین حکمت). قم: تمدن نوین اسلامی.

Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*.